[164] مفهما والمحدث المفهم. وأما غير ذلك فهو تقليد أو جدل أو مزج بينهما أو غير ذلك وليس شئ منها من العلم في شئ، وانما يحصل هذا بعد تفريغ القلب وتصفية الباطن وتخليته _____ = بشناسيد منازل مردم را در نزد ما بقدر روايتشان از ما، وايضا از أبي الجارود نقل كرده كه گفت: گفتم به اصبغ بن نباته: بچه اندازه بود مقام اين مرد يعني حضرت امير عليه السلام در نزد شما ؟ - گفت: نميدانم چه ميگوئى جزاينكه شمشيرهاى ما برشانه هاي ما بود پس بهر كس اشاره ميكرد ميزديم اورا بآن شمشير، وميفرمود بما: تعهد كنيد تعهد كنيد قسم بخدا كه تعهد شما براى طلا ونقره نيست تعهد شما نيست مگر از براى مرگ، بدرستيكه قومي پيش از شما أز بنى اسرائيل معاهده كردند ميانهء خود يعنى از براى مرگ پس نمرد احدى از ايشان تا آنكه پيغمبر قوم خود شد يا پيغمبر قريهء خود يا پيغمبر نفس خود شد وبدرستيكه شما بمنزلهء ايشانيد جزاينكه پيغمبر نيستيد. وعلامهء حلي در اول كتاب تحرير روايت نموده از حضرت رسول صلى ا عليه وآله كه علماى امت من بمنزلهء انبياى بنى اسرائيل اند پس هرچه معلوم شود كه أز خصايص خاصهء انبياء است چون عصمت فطرى ونزول وحي ومثل آنها، علما را أز آن بهره نيست ودر باقى فضائل واحكام وآداب متعلق بايشان با ايشان شريك اند، وازاين قبيل است آنچه رسيده كه ايشان وارث انبياء ونواب ائمه اند وحجت اند بر خلايق ازجانب ايشان چنانچه در كافى از جناب ختمى مآب نقل كرده كه: علما هر آينه ورثهء انبيا اند وبدرستيكه انبيا ميراث نگذشته اند دينار ودر همى بلكه ميراث گذاشته اند علم را پس هر كه گرفت چيزى از آنها بتحقيق كه گرفته بهره تامى " أقول: قد تكلمنا في هذا الباب بما لا مزيد عليه في تعليقات كتاب ميزان الملل ونقلنا ما ذكره المحدث الجليل الشيخ الحر العاملي (ره) في توجيهه في كتاب الفوائد الطوسية، وكذا ما ذكره السيد عبد ا شبر في مصابيح الانوار، وما ذكره السيد الجزائري في زهر الربيع، ونقلنا ما قيل في انه موضوع من بعض كتب العامة، فانشئت فراجع (ص 103 و 104 وص 265 - 269 منه) وقد طبع سنة 1324. (*)

_____